یادداشت روز

عیارسنجی سیاستمداران در متن یک اغتشاش پیچیده

محمد ایمانی

۱- می‌شـــد اغتشاش دو روزه به بهانه گران شدن بنزین، در همان حد معرکه‌گیری تروریســـت‌ها و اشرار ســـازمان یافته محدود بماند و چنین تحلیل کرد که منحصرا گروهک‌ها و سازمان‌های تروریستی، مجری نقشه اغتشاش نیابتی بوده‌اند. اما یک هفته پس از فروکش کردن اغتشاش، برخی دست‌اندرکاران فتنه ۸۸ آفتابی شدند و جانب جنایتکاران را گرفتند. قرائن نشان می‌دهد که این طیف، فاقد اراده مستقل نسبت به فرماندهی اتاق جنگ دشمن هستند. در واقع آنها، در کنار تروریست‌ها و اشرار اجاره‌ای، به هنگام فرمان عملیات مجبورند اقدام کنند؛ ولو به صلاح‌شان نباشد و آنها را در حال مظان خیانت و وطن‌فروشی قرار دهد. از این منظر، افزایش قیمت بنزین اگر برای مردم عادی مشکل‌ساز بود، برای سازمان‌دهندگان و حامیان سیاسی آشوب، صرفا یک بهانه بود. همچنانکه ادعای تقلب در انتخابات ۸۸، بهانه‌ای بود تا پیاده نظام صهیونیسم مسیحی در جنگ نیابتی، اقدام به عقده گشایی علیه اسلام و انقلاب کنند و صراحتا بگویند «انتخابات بهانه است- اصل نظام نشانه است». وقتی کار به اینجا رسید، طبیعی بود سران رژیم صهیونیستی از فتنه ســـبز به عنوان سرمایه بزرگ خود برای جنگ در داخل ایران یاد کنند یا مقامات آمریکایی با قول و فعل و امکانات، از آنها پشتیبانی نمایند.

۲- شبکه سازمان یافته آشوب، مرتکب جنایت‌های وحشیانه شدند و انتظار می‌رفت مدعیان اصلاح‌طلبی، صریح و بی‌ملاحظه ابراز برائت کنند. آشوبگران ضمن آتش افروزی و رعب افکنی و قداره‌کشی و شلیک گلوله، راه را بر مردم بســـتند، اموال عمومی و اتوبوس و مترو و پمپ بنزین‌ها و بانک‌ها را در کنار خودروها و مغازه‌های مردم عادی به آتش کشـــیدند، و ضمن حمله به مساجد و حسینیه‌ها، اقدام به آتش زدن قرآن‌ها کردند. این رفتار داعش که مصداق بارز محاربه و بغی و فساد فی الارض است، خاطره سال ۶۰ و خیانت‌های فتنه‌گران در ســـال ۸۸ را زنده کرد. اتفاقا بیانیه و اظهارات سران فتنه و برخی اطرافیان آنها، نشان می‌دهد که مانند ۱۰ سال قبل، تروریست‌های آشوبگر، و توجیه کنندگان سیاسی- رسانه‌ای جنایات آنها، از یک اتاق فرماندهی مشترک دستور می‌گیرند؛ وگرنه دلیلی نداشت که به جای محکومیت جنایات‌اشرار یا انتقاد از عملکرد بد مدیرانی که خود در انتخابات از آنها حمایت کرده‌اند، از تروریست‌های وطن فروش حمایت کنند و نظام را متهم سازند. به نظر می‌رسد فروکش کردن اغتشاش اخیر ظرف چند روز، آمران آن را نگران کرد و به همین دلیل، به بخش سیاسی و رسانه‌ای فتنه فرمان داده شد با موضع‌گیری و حمایت از اوباش آشوبگر، نگذارند آتش اغتشاش با این سرعت سرد و خاموش شود. ده سال قبل هم سران فتنه، از حرمت شکنان روز عاشورا حمایت کردند و آنها را مردمان خداجو!! خواندند و این در حالی بود که در میان بازداشت شدگان آن روز، عناصر وابسته به باند صهیونیستی- انگلیسی بهائیت و سازمان تروریستی منافقین حضور داشتند. حمایت فتنه‌گران از این جماعت چه در سال ۸۸ و چه در اغتشاش اخیر، نشان داد که آنها مسلوب‌الاختیار و مامورند هر چه دشمنان امنیت و ثبات ایران دیکته کردند، اجرا کنند.

۳- وقتی از خیانت و وطن فروشی سخن می‌گوییم، دقیقا درباره چه چیزی حرف می‌زنیم و ابعاد آن چقدر است؟ فتنه سیاسی- اقتصادی اخیر ادامه فتنه ۱۰ سال قبل است که از بصیرت مردم تو دهنی خورد. هنگامی که آثار شکست در آن آشوب آشکار شد، همین سران فتنه ابایی نداشتند که به اتاق جنگ دشمن، پیغام ضرورت انتقام اقتصادی از مردم را بدهند. روزنامه لس آنجلس تایمز ۲۸ مهر ۱۳۸۸ از رایزنی «جان‌هانا» مقام آمریکایی با سران اپوزیســـیون و نمایندگان سران جنبش سبز خبر داد و از قول او نوشت «مطمئناً پیامی که من از گردهمایی اخیر فعالان اپوزیسیون ایران -که در میان آنها بعضی شخصیت‌های نزدیک به رهبری جنبش سبز حضور داشتند- شنیدم، این بود که تحریم باید اعمال شود و هرچه شدیدتر باشد؛ تحریم ضعیف و تدریجی، فقط به رژیم این امکان را می‌دهد که خودش را با وضعیت جدید تطبیق دهد. آنها گفتند برای اینکه تحریم مؤثر باشد، باید به صورت شوک وارد شود که فلج کند و نه به صورت واکسن. برخی از آنها نگرانند که رژیم بر اثر حمله نظامی فلج نشود. با وجود این، آنها پیشنهاد دادند بمباران همزمان تأسیسات هسته‌ای و مراکز سپاه پاسداران و بسیج -هر چند که تعدادی از مردم را هم نابود کند- موجبات جمع کردن بساط حکومت را تسریع خواهد کرد»!

۴- اغتشاش اخیر در کدام ظرف زمانی رخ داد و چرا خیانت سران فتنه در این میان مهم اســـت؟ محافل آمریکایی ظرف هشت ماه گذشته، بارها نسبت به ناکارآمد شدن راهبرد «فشار حداکثری» ابراز نگرانی کردند. روند شکست‌های منطقه‌ای آمریکا از اواخر دوره اوباما شدت گرفت اما در دوره ترامپ با وجود هارت و هورت فراوان او، به اوج رســـید. سفر دزدانه به دو پایگاه نظامی -و نه پایتخت- در عراق و افغانستان، نمادی از این شکست‌های تحقیر آمیز است. تحلیل‌گران بسیاری در آمریکا با مشاهده اقدامات متقابل ایران در کاهش تعهدات هسته‌ای، سرنگونی پهپاد متجاوز، توقیف نفتکش انگلیســـی و همچنین حملات زنجیره‌ای به مراکز مهم اقتصادی و نظامی عربستان به ویژه تاسیســـات نفتی آرامکو، مکررا هشدار می‌دادند که نه تنها راهبرد فشار حداکثری موجب عقب‌نشینی ایران نشده، بلکه رفتار او را تهاجمی کرده است. درست در همین شرایط، بی‌تدبیری دولت در نحوه اجرای سهمیه‌بندی بنزین و از آن بدتر، رهاشدگی فضای مجازی عاریتی که امکان شبکه‌سازی و شبیخون دشمن را فراهم می‌کرد، موجب روحیه گرفتن بدخواهان سرخورده شد. رفتار آشوبگران و فتنه گران در این شرایط، تداعی خیانت‌هایی است که اشعثِ بن قیس مرتکب شد تا آنجا که امیر مومنان (ع) خطاب به او فرمود «إِنَّ امْرَأً دَلَّ عَلَى قَوْمِهِ السَّيْفَ وَ سَاقَ إِلَيْهِمُ الْحَتْفَ لَحَرِيٌّ أَنْ يَمْقُتَهُ الْأَقْرَبُ وَ لَا يَأْمَنَهُ الْأَبْعَدُ. مردی که شمشیر دشمن را به سوی قوم خود دلالت و راهنمایی کند و مرگ را به ســـوی آنان کشاند، سزاوار است خویشاوندان و نزدیکان، او را دشمن دارند و دیگران از شر او ایمن نباشند».

۵- آنچه مربع خباثت در منطقه (آمریکا، انگلیس، اسرائیل و عربستان) پس از شکست‌های سهمگین دنبال می‌کنند، مشغول و درگیر کردن هر یک از حلقه‌های محور مقاومت (ایران و عراق و لبنان) از درون اســـت. در این نقشـــه جنگی ویرانگر، بیش از همه روی شبکه نفوذ و اخلال و آشوب حساب شده است. به عبارت دیگر، شیوه جنگ نیابتی عریان در سوریه و عراق، جای خود را به نقابدارانی داده که همان حزب بعث، داعش، شیعیان انگلیسی، فالانژیست‌ها، قوات اللبنانیه، سازمان منافقین، سلطنت‌طلبان، گروهک‌های تجزیه‌طلب و آشوب‌طلبان سبز هستند که خود را «مردم» و مطالبه‌گر مطالبات آنها جا می‌زنند. آنها این بار، به‌جای مواجهه رویارو، از پشت شلیک می‌کنند. بی‌دلیل نیست که برخی مقامات غربی همزمان با اغتشاش اخیر، ایران را تهدید به استفاده از مکانیسم ماشه در صورت کاهش تعهدات برجامی کردند. هدف تجمیع فشارهای خارجی و داخلی، عقب راندن ایران در نبردی سرنوشت ساز است و درست در همین بزنگاه مهم، سروکله گرا دهندگان تحریم‌ها پیدا می‌شود.

۶- یک دوگانه مهم در شرایط خطیر فعلی که می‌تواند مایه اقتدار یا ضعف و ویرانی ایران شود، «رفتار مسئولانه یا مسئولیت نشناسی» است. روانشناسان، مسئولیت‌پذیری را نشانه بلوغ و قوت شخصیت انسان می‌دانند و فرافکنی را حمل بر ضعف و بی‌ثباتی شـــخصیت می‌کنند. ضعیف‌ترین افراد، کسانی هستند که شهامت پذیرفتن مسئولیت رفتار خود را ندارند. سیاســـتمداران به طریق اولی، باید مسئولیت‌پذیر باشند. متاسفانه بارها دیده‌ایم که برخی عناصر سیاسی، در قبال مردم و نظام، بهانه‌جویی می‌کنند اما در مقابل بهانه‌جویی و گســـتاخی دشمن، بهانه‌پذیر می‌شوند و حق به جانب او می‌دهند! بخشی از مشکلات چند سال اخیر، از همین عارضه ناشی می‌شود. متاسفانه برخی مدیران پس از پدیدار شدن آثار انفعال و اعتماد به دشمن، فرار از مسئولیت و بهانه‌جویی را در پیش گرفتند و حال آنکه چاره کار، شـــجاعت قبول مسئولیت و تواضع در مقابل نقد دلسوزان به موازات مواجهه قاطع مقابل فزون‌خواهی دشمن است. در همین روند، برخی افراطیون مدعی اصلاحات که مخمصه فعلی را برای دولت ساخته‌اند، بی‌صداقتی را به اوج رساندند و به‌جای عذرخواهی، حتی پشت دولت را هم خالی کردند و دو بار در مقاطع دی ۹۶ و آبان ۹۸، خواستار استعفای روحانی شدند. نگاه آنها به روحانی و دولت او، چنانکه بارها علنی کردند، نگرش «ساندیسی، نردبانی، کاتالیزوری، و رحم اجاره‌ای» بود و حالا که نارضایتی مردم و انباشت مطالبات را می‌دیدند و دورنمای انتخابات مجلس را برای خود تاریک می‌یافتند، ابایی نداشتند که روحانی را قربانی بازی استعفا نمایند - چنانکه اخیرا ناصری مشاور خاتمی خواستار استعفای روحانی شد- و سپس چنین القا کنند که حاکمیت نگذاشت او کار کند. آنها همین سناریو را از میانه دولت دوم خاتمی با شعار لزوم استعفا و خروج از حاکمیت به اجرا گذاشتند؛ که دیکته خارجی برای کودتای مخملین بود. عبور اصلاح‌طلبان از نردبان روحانی و آمادگی برای قربانی کردن او، نظیر کاری است که متحدان سعد حریری (جنبلاط و جعجع) در جریان ۱۴ مارس با او کردند.

بقیه در صفحه۱۱

همزمان با اقدامات ضدایرانی آمریکا

اعضای اروپایی برجام به‌جای اجرای تعهدات ایران را تهدید کردند!

سرویس سیاسی-

سه کشور اروپایی عضو توافق هسته‌ای، به‌جای اجرای تعهدات، در بیانیه‌ای گســـتاخانه ایران را به استفاده از ساز و کار ماشه تهدید کردند.

«لارس نوردروم» ســـفیر نروژ در تهران اعلام کرد که کشورش به همراه پنج کشور فنلاند، سوئد، هلند، دانمارک و بلژیک تصمیم گرفته‌اند به عنوان سهامدار به ساز و کار اینستکس بپیوندند.

آلمان، فرانسه و انگلیس به عنوان مؤسســـین این ســـاز و کار و سه عضو اروپایی برجام، در بیانیه‌ای در این مورد گفته‌اند: «فرانســـه، آلمان و انگلیس به عنوان سهامداران بنیانگذار «ابزار حمایت از تبـــادلات تجاری» (اینســـتکس)، از تصمیم دولت‌های بلژیـــک، دانمارک، فنلاند، هلند، نروژ و سوئد برای پیوستن به اینستکس به عنوان سهامدار به گرمی اســـتقبال می‌کنند. این گام، به تقویت بیش از پیش اینســـتکس منجر شده و تلاش‌های اروپا برای تســـهیل تجارت مشـــروع میان اروپا و ایران را به نمایش می‌گذارد و نشـــانه‌ای روشـــن از تعهد مداوم ما به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است».

این بیانیه می‌افزاید: «اجرای کامل و مؤثر برنامه جامع اقدام مشـــترک از حداکثر اهمیت برخوردار است. ایران باید بی‌درنگ به انطباق کامل با تعهداتش ذیل برجام بازگردد».

این ســـه کشور ســـپس بااشاره به احتمال ارجاع به ساز و کار حل اختلاف در برجام، تلویحا ایران را به اســـتفاده از ساز و کار ماشـــه و احیای تحریم‌های ســـازمان ملل متحد تهدید کرده‌اند. در این بخش از بیانیه آمده اســـت: «ما بار دیگر تأکید می‌کنیم که آماده‌ایم برای حل موضوعات مربوط به اجرای تعهدات برجامی ایران، تمام ساز و کارهای موجود در برجام از جمله ساز و کار حل اختلاف، را مورد بررسی قرار دهیم. ما همچنان به پیگیری تلاش‌های خود در جهت رسیدن به یک راه‌حل دیپلماتیک در چارچوب برجام، متعهد هستیم».

به گزارش فارس، بر اســـاس ساز و کار حل اختـــلاف مندرج در برجام، در صورتی که اختلافی در اجرای این توافق وجود داشته باشد و طرف‌ها نتوانند برای حل آن به توافقی برسند، نهایتا دو طرف به وضعیت پیش از برجام بازگشـــته و تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل احیا می‌شود.

پیش از این هم «ژان ایو لودریان» وزیر خارجه فرانسه گفته بود که پاریس در حال بررســـی استناد به این بند حل اختلاف و احیای تحریم‌هاست.

گستاخی بدهکارها!

اتحادیـــه اروپـــا در حالی موضعی تهدیدآمیز علیه مردم ایران اتخاذ کرده که این بلوک سیاســـی از زمان خروج یکجانبه آمریکا از توافق هسته‌ای، وعده خود برای جبران آثار منفی تحریم‌های آمریـــکا را عملی نکرده و شـــرکت‌ها و بانک‌های اروپایی نیز عمدتا روابط خود را با ایران قطع کرده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران در واکنش به عدم تحقق وعده‌های اروپا، از اردیبهشت ماه امســـال، بر اساس بند ۳۶ برجام که حق کاهش پایبندی در صورت بازگشت تحریم‌هـــا را به ایـــران داده، به صورت مرحله‌بندی‌شـــده اجرای بخش‌هایی از تعهداتش را متوقف کرده است. در همین چارچوب، در حال حاضر ایران محدودیت ســـقف ذخایر اورانیوم غنی‌شده و آب سنگین، محدودیت سطح غنی‌سازی و محدودیت تحقیق و توسعه هسته‌ای را به حال تعلیق درآورده و در مرکز «فردو» نیز شروع به غنی‌سازی اورانیوم کرده است.

به استناد گزارش‌های آژانس، ایران در برجام به تمامی تعهدات خود عمل کرد اما کشـــورهای اروپایی عضو برجام و آمریکا به هیچ عنوان به تعهدات خود عمل نکردند. حالا بدهکارهای برجام با گستاخی به ایران امر و نهی می‌کنند.

در روزهـــای گذشـــته عراقچی در اعترافـــی دیرهنگام تاکیـــد کرد که در پسابرجام تحریم‌ها افزایش یافته است. وی علاوه‌بر این گفت که مقاومت بهتر از رویکرد دولت روحانی در سیاست خارجی جواب می‌دهد.

نمایش اینستکس

کشورهای اروپایی با هیاهو و جنجال اینگونـــه القا می‌کنند که اینســـتکس امتیازی بزرگ برای ایران و اقدامی مهم از سوی آنهاست.

این در حالی است که پیش از این ظریف صراحتـــا اعلام کرد که اروپا ۱۱ تعهد در برجام دارد و اینستکس به هیچ عنوان در تعهدات برجامی اروپا نیست.

کارشناسان معتقدند که اینستکس حتی یک دهم تعهدات برجامی اروپا را نیز پوشش نمی‌دهد.

روزنامه آمریکایی:

ایرانی‌ها با وجود مشکلات اقتصادی با آشوبگری مخالفند

یـــک روزنامـــه آمریکایی در یادداشـــتی تاکید کرده است که آنچه رسانه‌ها و تحلیل‌گران غربی قصد دارند درخصوص ناآرامی‌های اخیر ایـــران القا کننـــد، با نتایج نظرسنجی‌های معتبر از مردم ایران تناسبی ندارد.

روزنامـــه آمریکایی «آمریکن هرالد تریبیون» در یادداشتی به قلم «شارمین نروانی»، تحلیل‌گر مســـائل غرب آسیا تصریح کرده که نتایج نظرســـنجی‌های انجام شده از مردم ایران با برداشتی که رسانه‌ها و تحلیلگران غربی سعی دارند از وقوع اعتراضات اخیر در این کشور نشان دهند، تصویری متفاوت ارائه می‌کند. بر اساس این نظرسنجی‌ها، اگرچه شرایط اقتصـــادی در ایران مشـــکل اســـت اما اکثریت ایرانیان مخالف ناآرامی در داخل این کشور هستند.

نگارنده یادداشت با اشاره به تحولات پـــس از افزایش قیمت بنزین در ایران و ناآرامی‌های رخ داده پس از آن می‌نویسد: یک روز بعد (از روز دوم)، تظاهرات آرام تا حد زیـــادی ناپدید شـــد و جای آن را جمعیت‌هـــای بســـیار کوچک‌تری از آشوبگران گرفتند که بانک، پمپ بنزین، اتوبوس و دیگر اموال عمومی و خصوصی را آتش می‌زدنـــد. در مدت‌زمانی کوتاه، نیروهای امنیتی وارد خیابان‌ها شـــدند تا با خشونت‌ها مقابله کرده و آشوبگران را دســـتگیر کنند. در ایـــن اثنا، تعداد تاییدنشـــده‌ای از افـــراد از هر دو طرف جان باختند.

نویسنده در ادامه برای فهم واکنش ایرانی‌هـــا در روزهـــای گذشـــته به دو نظرســـنجی که مشـــترکا توسط مرکز مطالعات بین‌المللی و امنیت دانشـــگاه مریلند و ایران‌پل صورت گرفته اشـــاره کرده اســـت. این نظرســـنجی‌ها پس از اعتراضات آشوب‌های سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ صـــورت پذیرفته‌انـــد، زمانی که کارزار فشار حداکثری آمریکا بر ایران در اوج خود بود.

به نوشته او، آنچه از نظرسنجی اوایل سال ۲۰۱۸ برمی‌آید آن است که ایرانی‌ها از اقتصاد راکد ناخشـــنودند و ۸۶ درصد آنها به‌طور خاص با افزایش قیمت بنزین مخالفند، همـــان چیزی که اصلی‌ترین عامل اعتراضات ماه نوامبر شد. با این حال، افزایش قیمت بنزین منجر به درآمدی در حدود ۲/۲۵ میلیارد دلار می‌شود که بین ۱۸ میلیون خانوار آسیب‌پذیر ایران توزیع می‌شود. در واقع، دولت در حال کاهش سوبسید ســـوخت به همراه پرداخت به نیازمندترین شهروندان بود.

بر اساس نظرسنجی مزبور نگرانی‌های شـــرکت‌کنندگان در نظرسنجی به این شرح است: بیکاری (۴۰ درصد)، تورم و هزینه بالای زندگی (۱۳ درصد)، درآمد کم (۷ درصد)، فساد مالی و اختلاس (۶ درصد)، بی‌عدالتی (۱/۴ درصد) و کمی آزادی‌های مدنی (۰/۳ درصد). این ارقام نشـــان می‌دادند کـــه اعتراضات ۲۰۱۸ بیشتر پاسخی به شرایط اقتصادی داخلی بودند نه مسائل سیاست خارجی و آنچه رسانه‌ها و سیاستمداران غربی در آن زمان به‌عنوان «سرکوب گسترده» در خصوص آن به‌شدت تبلیغ می‌کردند.

نروانی در ادامه به اصرار «ســـوزان ملونی»، از تحلیلگران آمریکایی مسائل مربـــوط به ایران اشـــاره کـــرده که در جریانـــات اخیر نیز بر تحلیل یک مقاله در واشنگتن‌پست اصرار داشت: «مردم تنها به خاطر شرایط بهتر کار یا پرداخت تظاهرات نمی‌کننـــد بلکه در کل بر رد کلیت سیســـتم اصرار دارند.» در واقع، نظرســـنجی ۲۰۱۸ نشـــان می‌دهد که تنها ۱۶ درصد از ایرانی‌ها با آنچه مالونی می‌گوید موافقند و ۷۷ درصد مخالف آن هســـتند که سیستم سیاسی ایران باید تغییر اساسی داشته باشد.

بـــه گـــزارش فـــارس، بر اســـاس یادداشت فوق، همچون اعتراضات این ماه (میلادی)، تظاهرات ۲۰۱۸-۲۰۱۷ نیز به آشـــوب‌های کوچک اما خشـــن انجامید و نیروهای امنیتی ایرانی برای متوقف کـــردن آنها در خیابان‌ها حاضر شـــدند. اما پس از این اتفاقات، و به‌رغم تیترهای بی‌پایان در مورد «بی‌رحمی» پاسخ امنیتی، ایرانی‌ها غالبا با حاکمیت درخصـــوص نحوه رفتار با آشـــوبگران موافق بودند. ۶۳ درصـــد از افراد مورد نظرسنجی در سال ۲۰۱۸، گفته‌اند که پلیس از نیروی مناسبی استفاده کرده و ۱۱ درصد نیز گفتند که از نیروی بسیار کمی اســـتفاده کرده است. در مجموع، ۸۵ درصد ایرانی‌ها موافق بودند که دولت باید در متوقف ساختن اغتشاشگرانی که از خشونت استفاده کرده و به دارایی‌ها آسیب می‌زنند قاطع‌تر عمل کند.

خبر ویژه

غالبی: برخلاف اصلاح‌طلبان رهبری پشت دولت را خالی نکرد

رئیس ســـتاد جوانان در ستاد انتخاباتی موسوی در سال ۸۸ می‌گوید اصلاح‌طلبان نمی‌خواهند در شرایط فعلی، شریک شکست روحانی باشند.

حمزه غالبی که در فرانســـه اقامت دارد، درباره ماجرای بنزین به انصاف‌نیوز گفت: متأسفانه هم آقای رئیسی و هم آقای لاریجانی ضعیف بازی کردند و اگر حمایت صریح رهبری نبود، دولت با یک بحران خیلی جدی مواجه می‌شد.

وی درباره فاصله گرفتن اصلاح‌طلبان از روحانی می‌گوید: اصلاح‌طلبان نمی‌خواهند در این شرایط شکست روحانی شریک باشند. اما به‌نظرم اصلاح‌طلبها پیشنهاد می‌کنند نکته این اســـت که روحانی نامزد اصلاح‌طلبان بـــوده، حتی اگر خود روحانی به‌صورت تاریخی اصلاح‌طلب نبوده ولی بالاخره بخش زیادی از گفتمان سیاسی‌اش اصلاح‌طلبانه بود و ایده‌های اصلاح‌طلبانه داشـــت. بالاخره در حوزه سیاست خارجی، سیاست تنش زدایی که همه ایده اصلاح‌طلبان است را اجرا کرد، ولی خوب جواب نداد. از وزرایی مثل زنگنه و حجتی گرفته تا معاونان وزیر کشور و استانداران سراسر کشور، دولت نسبتاً دولت اصلاح‌طلب است. اشتباه بعضی از مشاوران آقای روحانی در حمله به اصلاح‌طلبان این بهانه را فراهم کرد تا هم از مسئولیت شکست دولت روحانی شانه خالی کنند و هم البته سرمایه اجتماعی‌شان را از پشت دولت روحانی بکشند که کار روحانی را بسیار سخت کرد.

وی گفت: خلاصه دولت روحانی شکست خورد. مهم‌ترین منبع شکستش هم برجام بود. بالاخره رسم روزگار است که شکست صاحب ندارد. ولی خوب به‌نظرم شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، امکان یارگیری از کلیت جامعه را می‌گیرد. ایراد از شخص روحانی نبود، وقتی همه از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند و همه چیز را سر شخص آقای روحانی می‌شکنند معنی‌اش این است که هیچ‌کس در ایده‌ها و ذهنیت‌هایی که موجب این شکست شد تردید و بازبینی‌ای نمی‌کند و همان ذهنیت‌ها ایده‌ها به قوت خودش به بازتولید این اشتباهات ادامه خواهد داد.

وی درباره ماجرای بنزین می‌گوید: حذف سوبسید بنزین کار درستی است. اشتباه بزرگ دولت جمع کردن نظام سهمیه‌بندی بنزین و ثابت نگاه داشتن قیمت بنزین برای چندین سال است. دولت قبلاً یک اشتباهی کرد که همه سرمایه اجتماعی‌اش را مستهلک کرد اما شرایط را برای مردم سخت. این‌بار اتفاقا تصمیم غلطی نبود اما قطره آخری بود که در لیوانی که قبلاً پر شده بود چکید و سر رفت. اشتباه مهلک دولت نحوه مدیریت بحران ارزی و از بین‌بردن چندین میلیارد ارز کشـــور و کاهش وحشتناک قدرت خرید مردم بود. اشتباه دولت از دست دادن سرمایه اجتماعی است.

شوخی تلخ روحانی با مردم؛ اصلاح‌طلبان واژه کم آوردند

اظهارات رئیس‌جمهور مبنی بر بی‌خبری از اجرای سهمیه‌بندی بنزین همچنان مورد اعتراض رسانه‌ها و چهره‌های موافق و منتقد دولت است.

روزنامه جام جم از قول اکبر ترکان مشاور سابق رئیس‌جمهور نوشت: اگر خبر روزهای اخیـــر مبنی بر این‌که رئیس‌جمهور روز جمعه از طریق رادیو در جریان افزایش قیمت بنزین قرار گرفته باشد درست باشد باید نگران باشیم. چرا که تصمیماتی به این اندازه از اهمیت گرفته شده و رئیس‌جمهور در جریان جزئیات آن نیست. این تصمیم آنقدر مهم است که قطعا می‌بایست رئیس‌جمهور در مورد زمان اجرای آن، شیوه و تبعات اجرایش اطلاعات کاملی داشته باشد، به همین دلیل امیدوارم این حرف‌ها صحت نداشته باشد.

محمد هاشمی هم در این‌باره گفته است: توقع و انتظار جامعه از مسئولان آنهم در جایگاه ریاست جمهوری این نبود که نسبت به تصمیمی با اهمیت بسیار اظهار بی‌اطلاعی کند. قطعا با چنین سخنانی مردم قانع نمی‌شوند و انتظار دارند مسئولان رده بالا با اشراف کامل در مورد تمام جوانب یک موضوع، در مورد آن تصمیم‌گیری کنند.

جمله‌ای میان مسئولان وجود دارد که «من تفویض اختیار کردم اما سلب مسئولیت نکرده‌ام» به این معنی که ممکن است آقای روحانی تفویض اختیار کرده باشد اما قطعا در این زمینه یعنی موضوع بنزین، سلب اختیار نکرده است و جامعه نیز چنین توقعی ندارد.

چنین اظهارنظرهایی از ســـوی مسئولان اجرایی کشور که به جای پاسخگویی در مورد چرایی تصمیم‌گیری‌هایشان از خودشان سلب مسئولیت می‌کنند موجب می‌شود در آینده نیز مردم با تردید به تصمیماتی که اتخاذ می‌شود، نگاه کنند.

محمدعلی ابطحی عضو مجمع روحانیون نیز گفته است: اگر واقعا رئیس جمهور صبح جمعه خبر گران شدن بنزین را شنیده باشد: ۱- نشانه نهادینه شدن غرور و بی‌توجهی به مردم است. چنان مردم را سرکوب شده می‌دیده است که اصلا تصور نمی‌کرده است که در این اوج مشکلات اقتصادی کسی اعتراضی داشته باشد و اگر هم احیانا اعتراضکی باشد، به سرعت جمع می‌شود. ۲- دفتر رئیس جمهور جواب دهد. از بعدازظهر پنجشنبه خبر درز کرده بود و اوایل شب پمپ‌بنزین ها شلوغ شده بود. یا دفتر رئیس جمهور بی‌اطلاع از شهر بوده و یا شب جمعه‌ای نخواسته مزاحم وقت رئیس نشده تا جمعه. هر دو فاجعه اســـت. ۳- این محاسبه غلط باعث شد که عوامل خارجی دست به‌کار شوند. تخریب‌ها صورت گیرد. همه اینها نشـــان از بی‌تدبیری و مهمتر، بی‌اطلاعی از وضع جامعه است. رئیس‌جمهور می‌بایست به‌جای خنده تمسخر در اعلام اطلاعش در روز جمعه، گریه کند و عذرخواهی کند. ۴- باور این‌که رئیس جمهور نمی‌دانسته سخت است. شاید چون کار خراب شـــده، خواسته با اعلام بی‌اطلاعی، پشت وزارت کشور و شورای امنیت کشور را خالی کند. اگر هم چنین بوده چیزی از مسئولیت ایشان کم نمی‌کند.

از ســـوی دیگر حسین مرعشی ســـخنگوی کارگزاران در گفت‌وگو با شرق اظهار داشت: «همه در حزب کارگزاران از موضع نسنجیده آقای روحانی متأسف هستند. این موضعی منطقی نبود و نشان می‌دهد رئیس‌جمهوری در این مسئله مهم که مشخص بود خطرات بالقوه‌ای دارد، حساسیت لازم را نداشت تا خود در صحنه حضور پیدا کند و شرایط را تحت کنترل داشته باشد». مرعشی ادامه داد «این ضعف مهم مدیریتی برای آقای روحانی است». «درست نیست که شخص رئیس‌جمهوری در میدان حاضر نباشد و از سوی دیگر چنین اتفاقی افتخارآمیز هم نبود که با آن لحن تعریف شود. عده‌ای از مردم کشـــته شـــدند، چند هزار میلیارد خسارت وارد شده و حیثیت دولت از بین رفته است. چنین موضعی قطعا عذر بدتر از گناه بود».

غلامرضا حیدری عضو فراکسیون امید هم به روزنامه آفتاب یزد گفت: سخنان روحانی، خلاف تدبیر و اخلاق انسانی است و آن خنده، نمک پاشیدن به زخم مردم است. متاسفانه عملکرد دولت به گونه‌ای اســـت که انســـان، واژه کم می‌آورد... آدم خجالت می‌کشد که دولت، چگونه کشور را اداره می‌کند. آفتاب یزد همچنین در سرمقاله خود نوشت: یکی از آسیب‌هایی که کشور ما در سال‌های اخیر به آن مبتلا شده است عدم مسئولیت‌پذیری مدیران در قبال وظایف و کارهایی است که برعهده دارند.

اظهارات روز چهارشـــنبه آقای روحانی مصداق بارز و روشن این مسئولیت‌ناپذیری است، وقتی رئیس جمهور در رسانه ملی با یک لحن مطایبه‌آمیز بیان می‌کند من هم صبح آن روز مطلع افزایش قیمت بنزین شدم و از مسئولیت اتفاقی که افتاده شانه خالی می‌کند، دیگر ببینید که زیر مجموعه ایشان در قبال این مسئله و حوادثی که در پی آن به وجود آمد چگونه عمل می‌کنند. این در حالی است که در هفته گذشته گزارش‌ها و اخباری از نماینده مجلس مطرح شد که آن‌ها پیشتر شایعاتی مبنی براینکه احتمالا قرار است به‌زودی چنین تصمیمی اجرایی شود به گوششان رسیده بود. وقتی شایعه چنین تصمیمی به مجلس می‌رسد مفهومش این است که باید حتما در رده‌های بالای دولت این موضوع به طور جدی مطرح شـــده باشد. این نحوه رفتار و این جمله آقای روحانی اگر در پی مشورت مشاورانش بوده باشد، نشان‌دهنده وضع آشفته در مجموعه دولت و اطرافیان ایشان است، این‌که تا چه حد با واقعیت جامعه و افکار عمومی فاصله دارند که مشـــاوران چنین توصیه‌ای به ایشان می‌کنند اما اگر خود او آمده و چنین اظهارنظری کرده بر فرض این‌که اظهاراتش درست باشد، نشان‌دهنده ناکارآمدی سیستم اجرایی و ضعف رئیس دولت است.

بازی رندانه اصلاح‌طلبان با روحانی؛ او خسارت سنگینی به کشور تحمیل کرد

مشاور خاتمی و عضو شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان می‌گوید روحانی به خاطر عملکرد نامناسب خود، هزینه سنگینی به کشور تحمیل کرده است.

عبداله ناصری از جمله اصلاح‌طلبانی است که چند سال قبل، دولت روحانی را «رحم اجاره‌ای اصلاح‌طلبان» توصیف کردند. او اما اکنون در گفت‌وگو با «انتخاب» روحانی را به‌دلیل عملکرد نامناسب خود، علاوه بر اینکه هزینه سنگینی را بر جریان اصلاحات وارد کرده، هزینه سنگینی بر کلیت ایران تحمیل کرده است. این‌که جامعه به شرایطی برسد که احمدی‌نژاد را آرزو کند یعنی آقای روحانی بسیاری از واقعیت‌های موجود در جامعه فاصله گرفته است. لذا اعتقاد دارم اگر روحانی در یک سال و نیم باقیمانده، یعنی تا خرداد یا نهایتا مرداد ۱۴۰۰ کاری انجام ندهد، حتما خداحافظی‌اش با مردم و حکومت به مراتب سخت‌تر و بدتر از خداحافظی احمدی‌نژاد در ۹۲ خواهد بود.»

ناصری افزود: «روحانی آدمی است که می‌خواهد همچون ۴۰ سال گذشته بماند. اگر روحانی کار مهمی انجام ندهد که حتی بر این باور هستم کار مهم روحانی در جرات «استعفا دادن» می‌تواند باشد، ۱۴۰۰ او بسیار نازل‌تر از احمدی‌نژاد خواهد بود و خواهد ماند.»

وی تصریح کرد: «واقعیت امر این اســـت که حسن روحانی از مرحله بدقولی عبور کرده و بخشی اعظم از جامعه او را دیگر باور ندارند. این مسئله شرایط روحانی را برای آینده بسیار بسیار سخت خواهد کرد. جامعه دیگر اعتمادی به گفته‌های حسن روحانی ندارد و وعده‌های او را نمی‌پذیرد.»

وی با اشاره به اینکه دولت، عملکرد ضعیفی در مورد افزایش قیمت بنزین و شیوه اجرای آن داشت، گفت: «با این عمل دولت، اندک سرمایه اجتماعی روحانی که در نزد مردم بود از بین رفت و وی دیگر به هیچ عنوان محبوبیت سال‌های ۹۲ و ۹۶ را در اختیار ندارد.»

وی اظهار داشـــت: «عملکرد روحانی در این دو ســـال اخیر لطمه جدی به سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان وارد کرد و هزینه‌های زیادی را برای آنها به‌وجود آورد؛ بنابراین لازم بود اصلاح‌طلبان فاصله خود را از دولت روحانی حفظ کرده و بیشتر کنند.»

ناصری با اشاره به اینکه انتقادات صریح احزاب اصلاح‌طلب به خصوص اتحاد ملت به خوبی موضع جبهه اصلاحات را درخصوص وقایع اخیر نشان داد، افزود: «این مواضع نشان می‌دهد، اصلاح‌طلبان از خواب غفلت دو سال بیدار شده‌اند و باید در مورد رویدادهایی که در کشور رخ می‌دهد به اظهارنظر بپردازند.» وی با اشاره به اینکه در ایام باقی‌مانده به انتخابات مجلس، اصلاح‌طلبان باید به این موضع‌گیری‌ها ادامه دهند، بیان داشت: «با چنین مواردی بدنه اجتماعی دوباره این را درمی‌یابد که اصلاح‌طلبی از خواب غفلت بیدار شده، هرچند که به دلیل هزینه‌زا بودن حمایت از دولت، اصلاح‌طلبان حداقل در کوتاه مدت باید غرامت حمایت از روحانی را پرداخت کنند.»

گفت و شنود

مریض بعدی!

گفت